

تاریخ وصول: ۸۳/۴/۲۵

تاریخ تأیید: ۸۴/۲/۴

افراز مرز دریایی ایران و کویت، ژئوپولیتیک منافع ملی

سهراب عسکری*

مقدمه

قلمروهای دریایی هر کشور ادامه قلمروهای آن در خشکی است؛ اما حاکمیت بر آنها با اصول و مبانی متفاوتی اعمال می‌شود. هر حکومتی، در قلمرو خشکی خود، با تنظیم قوانین، قواعد و اتخاذ شیوه‌های منحصر به فرد خود کشور را اداره می‌کند. بنابراین، تفاوت قوانین و شیوه‌های اجرای آنها از کشوری به کشور دیگر امری طبیعی است و در دنیا نمی‌توان دو کشور را یافت که قوانین، قواعد و اصول و مبانی حکومتی یکسان داشته باشند؛ اما حاکمیت کشورها بر دریاها از اصول و قواعد نسبتاً مشابه پیروی می‌کند. اعمال حاکمیت کشورها را در قلمروهای دریایی‌شان، عمدتاً، کنوانسیون حقوق بین‌الملل دریاهای سازمان ملل متحد، مصوب ۱۹۸۲، سامان‌دهی می‌نماید که بیشتر کشورهای ساحلی دنیا با امضای آن به این کنوانسیون ملحق شده‌اند و انتظار می‌رود در آینده کشورهای بیشتری به آن بپیوندند.

چکیده: نخستین مذاکرات ایران و کویت برای تحدید حدود مرز دریایی دو کشور در مهرماه ۱۳۴۲ انجام شد. در طی دهه ۱۳۴۰ چندین دور مذاکره صورت گرفت اما توافق جامعی به دست نیامد. بعد از دو دهه توقف، مذاکرات دوجانبه، دوباره، از آذرماه ۱۳۷۹ (دسامبر ۲۰۰۰) آغاز شده که همچنان ادامه دارد. خط مبدأ و نقش جزایر در قلمروهای دریایی دو کشور از ابتدا یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار در ترسیم مرز دریایی ایران و کویت بوده است. اکنون، ادعای مالکیت کویت بر حوزه ایرانی آرش یکی از موضوعات دوجانبه در دور جدید مذاکرات است. از سویی کویت و عربستان سعودی در مورد افراز مرز دریایی در منطقه تقسیم شده (سابقاً بی طرف) به توافق رسیده‌اند؛ ولی این مرز، آشکارا، از خط میانه خلیج فارس عبور کرده و حاکمیت ایران در قلمرو دریایی‌اش در شمال خلیج فارس را به چالش کشیده و در نتیجه اعتراض وزارت خارجه کشورمان را در پی داشته است. در این مقاله سعی می‌شود، ضمن اشاره به مذاکرات گذشته، عوامل مؤثر کنونی در ترسیم مرز دریایی دو کشور، به طور مبسوط، تجزیه و تحلیل شود.

کلیدواژه: خلیج فارس، مرز دریایی ایران و کویت، حوزه انرژی آرش.

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور، مرکز بیجار.

بر اساس این رویه‌ها، عملکرد کشورهای ساحلی در آن موارد سابقه طولانی دارد و این مسئله مورد اعتراض رسمی هیچ کشور دیگری قرار نگرفته است. خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان که در سال ۱۳۵۲/۱۹۷۳ به توسط هیئت دولت وقت به تصویب رسید و در همان سالها در مجموعه‌های بین‌المللی ثبت و منتشر گردید از این نوع و مشمول عمل به رویه عرف است؛ چرا که هیچ اعتراض رسمی و بین‌المللی از سوی هیچ کشوری به آن نشده است. بنابراین، بر اساس اصول حقوق بین‌الملل، اعتراضات برخی از کشورهای منطقه به خط مبدأ ایران پس از تصویب قانون مناطق دریایی ایران در سال ۱۳۸۲ نمی‌تواند پذیرفتنی باشد.

افراز مرز دریایی دو کشور، نخستین اقدامات

اولین حوزه نفتی در خلیج فارس در سال ۱۳۳۰/۱۹۵۱ در نزدیکی سواحل عربستان سعودی کشف شد. پس از کشف این حوزه، عملیات اکتشاف و استخراج نفت در این دریای کم‌عمق، به طور بی‌سابقه‌ای، افزایش یافت (ممتاز، ۱۳۶۹: ۵۶۹). اقدامات اکتشافی و استخراجی کشورهای ساحلی، متعاقب صدور اعلامیه معروف ترومن در خصوص منابع فلات قاره، در سال ۱۹۴۵ آغاز شد. دولت ایران در ۲۸ خرداد ۱۳۳۴، ده سال پس از صدور اعلامیه یادشده، به وضع و تصویب «قانون راجع به اکتشاف و بهره‌برداری منابع طبیعی فلات قاره ایران» اقدام کرد.

دو سال پس از تصویب این قانون، یعنی در مرداد ماه ۱۳۳۶، با بررسی‌ای دامنه‌دار و کارشناسانه، قانونی از مجلسین ایران گذشت که به قانون نفت مشهور شد. این قانون اصول سیاست نفتی ایران را اعلام می‌کرد. بر اساس این قانون، شرکت ملی نفت ایران مأمور و مجاز گردید تا برای تسریع در توسعه

بر اساس مفاد این کنوانسیون، کشورهای ساحلی حقوق غیرقابل انکاری دارند که مراعات و رعایت آنها برای کشورهای دیگر الزامی است. میزان حاکمیت کشورهای ساحلی در قلمروهای دریایی شان از حاکمیت شبیه به حاکمیت در خشکی در محدوده دریای سرزمینی شروع می‌شود و تا حاکمیت و مالکیت بر منابع اقتصادی بستر و زیر بستر در فلات قاره و منطقه انحصاری، اقتصادی ادامه پیدا می‌کند. بر اساس اصول مصرح کنوانسیون ۱۹۸۲ برخی از پدیده‌های جغرافیایی به قواعدی تأثیرگذار در تعیین قلمروهای دریایی کشورهای ساحلی تبدیل شده‌اند. از آن میان می‌توان به خط مبدأ و ویژگی سواحل در تعیین نوع آن (عادی و مستقیم) اشاره کرد. زمانی که سواحل یک کشور به لحاظ مورفولوژیکی بریده‌بریده و مضرس نباشد طبق ماده سوم کنوانسیون دریای سرزمینی و ماده پنجم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، خط مبدأ عادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این خط در حقیقت خط پست‌ترین جزر آب در امتداد ساحل است که روی نقشه‌هایی با مقیاس بزرگ رسماً توسط کشورهای ساحلی تعیین می‌شود. استفاده از خط مبدأ مستقیم به لحاظ شرایط خاص جغرافیایی می‌باشد که مقررات استفاده از آن در ماده ۱۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ آمده است. شرایط متفاوت جغرافیایی که قواعد ویژه‌ای برای آنها طبق کنوانسیون ژنو و کنوانسیون حقوق دریاها پیش‌بینی شده است، عبارت‌اند از: خط مبدأ مستقیم برای سواحل بسیار مضرس و یا پوشیده از جزایر؛ خلیج‌های کوچک (خورها)؛ دهانه رودخانه‌ها؛ تأسیسات بندری؛ برآمدگی‌های جزری؛ جزایر؛ تخته‌سنگها (چرچیل و لو، ۱۳۷۷: ۵۰).

البته برخی از کشورها، به‌رغم پذیرش کنوانسیون ۱۹۸۲، در برخی موارد، به شیوه‌ای غیر از آنچه در اصول کنوانسیون تصریح شده عمل می‌کنند. اتخاذ این شیوه‌ها گاه بر پایه رویه‌های عرفی است.

پس از تصویب قانون نفت

اولین اقدام در این مورد در مهر ماه ۱۳۴۲/ اکتبر ۱۹۶۳ صورت گرفت. در این سال وزیران نفت ایران و کویت در ژنو با همدیگر ملاقات کردند. در این ملاقات مقرر گردید که مسائل اساسی در ترسیم مرز دریایی دو کشور مطالعه و بررسی شوند.

متعاقب گفتگوها و مذاکرات پیشین، در ۱۹ خرداد ماه ۱۳۴۴/ ۹ ژوئن ۱۹۶۵ طرح مقدماتی مربوط به فلات قاره ایران و کویت به امضای وزیر خارجه وقت کویت و کاردار سفارت ایران در این کشور رسید (عسکری، ۱۳۸۱: ۱۶۱). امضای این توافق چندین دور مذاکره دوجانبه دیگر را تا پایان دهه ۱۳۴۰/۱۹۶۰ به دنبال داشت ولی به توافق همه‌جانبه و ترسیم مرز دریایی دو کشور منتهی نشد. به نظر می‌رسد که مسائلی چون نقش جزایر و ارتفاعات جزری در تعیین خط مبدأ دو طرف، تحدید حدود منطقه بی‌طرف و مسائل سیاسی و دخالت رژیم سابق عراق در امور کویت در افراز مرز دریایی دو کشور در آن سالها تأثیرگذار بودند. با این همه، موافقتنامه نهایی مرز دریایی دو کشور در سال ۱۳۴۹ بین طرفین به نتیجه رسید ولی به انجام نرسید.

در طی دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ هیچ‌گونه مذاکره‌ای در این زمینه بین دو کشور انجام نشد؛ اما در اواسط دهه ۱۳۷۰ تحرک نه چندان مهمی در این زمینه رخ داد. در پی مذاکرات کویت و عربستان سعودی برای افراز مرز دریایی در منطقه تقسیم شده (سابقاً بی‌طرف)، اعلام شد که ایران و کویت نیز مذاکرات خود را در این زمینه شروع کرده‌اند اما وزیر نفت وقت کشورمان، غلامرضا آقازاده، در بهمن ۱۳۷۴ اعلام کرد که مذاکرات ایران و کویت تا زمان به نتیجه رسیدن مذاکرات کویت و عربستان سعودی به تأخیر افتاده است (سلام، بهمن ۱۳۷۴). این تأخیر کمی طولانی شد و حتی پس از به نتیجه

عملیات تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره و همچنین، برای توسعه سریع عملیات تصفیه و حمل و نقل و فروش نفتی که از این مناطق به دست می‌آید، بر طبق اصول مندرج در همان قانون، اقدامات لازم را به عمل آورد (تاجبخش، ۱۳۴۱: ۱۰).

از آنجایی که اقدامات قانونی در بهره‌برداری از منافع نفتی ایران در خلیج فارس انجام داده شده بود، وزارت نفت با شرکت‌های خارجی وارد مذاکره شد و قراردادهایی را با آنها به امضاء رساند. اولین قرارداد با یک شرکت ایتالیایی به نام آجیپ میناریا منعقد شد. قرارداد دوم قراردادی بود که با یک شرکت امریکایی به نام پان‌امریکن امضاء شد. هر یک از شرکتها در محدوده معینی در شمال خلیج فارس و در آبهای ایران فعالیت خود را آغاز کردند (نقشه شماره یک). این مسئله اعتراض دولت کویت را در پی داشت.

دولت کویت با اعتراض به این امر مدعی شد که فعالیت نفتی ایران بخشهایی از مناطق دریایی این کشور را هم دربرمی‌گیرد. این ادعا را مقامات ایرانی مردود اعلام کردند، ولی مقدمه‌ای شد تا دو کشور، به طور جدی، مذاکرات خود را برای افراز مرز دریایی آغاز نمایند.

نقشه شماره ۱. محدوده فعالیت نفتی ایران در شمال

خلیج فارس

آشکارا، در ۱۸ اکتبر ۱۹۶۵ از سوی طرف کویتی مطرح شده بود. در آن زمان کویت خواستار استفاده از تمام جزایر دو طرف، از جمله خارک و فیلکه به عنوان خط مبدأ بود (عسکری، ۱۳۸۱: ۱۶۱).

از سویی، ایران همواره به اثر صددرصد جزیره خارک، به عنوان بخشی از خط مبدأ کشورمان، در تحدید مرز دریایی دو کشور هم در فلات قاره کویت و هم منطقه بی طرف تأکید داشته است؛ که این مسئله در مذاکرات ۱۳۴۶ به توافق دولت کویت نرسید. اما، در مذاکرات آذر ۱۳۴۷/ دسامبر ۱۹۶۸ کویت از پذیرش اصولی که در مذاکرات ۱۳۴۶ توافق شد خودداری کرد و تنها به تأثیر کامل و صددرصد جزیره خارک در منطقه اختصاصی فلات قاره کویت رضایت داد (همو: ۱۶۱، ۱۶۶).

در گزارشی که شرکت ملی نفت ایران به عنوان وزیر خارجه وقت در ۲۵ فروردین ۱۳۵۴ ارسال کرد، تصریح شده است که اصول مورد توافق مذاکرات ۱۹۶۸ (دی ۱۳۴۶) زانو پذیرش اثر صددرصد جزیره خارک و «فشت المواء» در طرف ایران و جزایر فیلکه و ارتفاعات جزری رأس الیاحی در طرف کویت بود. این موضوع در نامه‌ای که وزیر خارجه وقت ایران به عنوان وزیر خارجه وقت کویت در تاریخ هشتم بهمن ۲۸/۱۳۴۷ ژانویه ۱۹۶۹ ارسال نمود نیز آمده است (همان: ۱۶۵). در ادامه این گزارش آمده است که مذاکرات تحدید حدود فلات قاره ایران و کویت، دوباره، در آذر ۱۳۴۷/ دسامبر ۱۹۶۸ ادامه یافت. در این مذاکرات هیئت کویتی با خودداری از پذیرش اصول توافق شده در مذاکرات ۱۳۴۶ تنها به تأثیر کامل و صددرصد جزیره خارک در منطقه اختصاصی فلات قاره کویت رضایت داد.

در مذاکرات سال ۱۳۴۹ که آخرین دور از مذاکرات دهه ۱۳۴۰ بود طرح موافقتنامه‌ای بین طرفین به نتیجه رسید ولیکن به انجام نرسید. در این توافقنامه تصریح شده بود که در تحدید حدود فلات قاره ایران و کویت همان توافق دی ماه ۱۳۴۶، یعنی اثر صددرصد جزیره خارک و

رسیدن مذاکرات کویت و عربستان سعودی و افزای مرز دریایی دو کشور، مذاکرات ایران و کویت آغاز نشد. عملیات اکتشافی ایران در حوزه آرش در اوایل ۱۳۷۹ سبب شد تا مقامات کویتی خواستار پیگیری تحدید حدود مرز دریایی دو کشور باشند. پیش از آن به‌رغم اعلام تمایل ایران به انجام چنین مذاکراتی، اقدام مثبتی از سوی کویت انجام نشده بود.

در ۲۳ اردیبهشت ۱۳/۱۳۷۹ مه ۲۰۰۰ دولت کویت به عملیات اکتشافی ایران در حوزه آرش اعتراض کرد. دولت ایران، به‌رغم ایرانی بودن این حوزه، با حسن نیت، عملیات را متوقف کرد تا مذاکرات مربوط به مرز دریایی دو کشور - آغاز گردد. دور جدید مذاکرات دوجانبه از آذر ۱۳۷۹/ دسامبر ۲۰۰۰ آغاز شده و تاکنون چندین دور مذاکره در این خصوص انجام شده ولی توافقی حاصل نگردیده است و مذاکرات همچنان ادامه دارد.

دلایل عدم افزای مرز دریایی ایران و کویت

مسائلی کلی چون فضای سیاسی منطقه و مسائل اقتصادی، طی دهه‌های گذشته، بر عدم افزای مرز دریایی ایران و کویت تأثیرگذار بوده‌اند؛ ولی وجود موارد کاملاً فنی در این بین نقش بسیار مهمی داشته‌اند. اکنون، افزای مرز دریایی ایران با کویت جایگاه مهم و ویژه در منافع ملی کشورمان یافته است.

مهمترین دلایل عدم افزای مرز دریایی دو کشور به شرح زیر می‌باشد:

۱. خط مبدأ دو کشور و نقش جزایر و ارتفاعات جزری در دو طرف. خط مبدأ دو کشور از ابتدا بخشی از مذاکرات طرفین را تشکیل می‌داده است. در طول دهه ۱۳۴۰ که گفتگوهای زیادی بین دو کشور انجام شد، دو طرف بر نقش جزایر در ترسیم خط مبدأ تأکید داشتند. نقش جزایر در تعیین خط مبدأ،

پس از تصویب قانون مناطق دریایی ایران در سال ۱۳۷۲ ابتدا ایالات متحده آمریکا به این قانون اعتراض کرد. اعتراض ایالات متحده در تاریخ ۱۱ ژانویه ۱۹۹۴ صورت گرفت. انتشار این موضوع محرکی شد تا کشورهای عربی حوزه خلیج فارس خود را با مواضع ایالات متحده آمریکا هماهنگ نمایند. در نتیجه، برخی از آنها هم به قانون مناطق دریایی ایران اعتراض کردند. کویت نیز یکی از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بود که در ۲۹ اوت ۱۹۹۶ اعتراض خود را اعلام کرد. نماینده دائم کویت در سازمان ملل متحد بدون اشاره به ماده یا موادی از قانون مناطق دریایی ایران که مغایر اصول مصوب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌الملل دریاهای سازمان ملل متحد باشد، خواستار انطباق این قانون با اصول کنوانسیون شده است (United Nations, 1996). حال آنکه ماده یا مواد اعتراضی این کشور باید، به روشنی، اعلام می‌شد و اگر این کشور نسبت به خط مبدأ جمهوری اسلامی ایران اعتراض داشت باید به این مسئله پرداخته می‌شد. در تمام مذاکرات دوجانبه همواره بر نقش جزیره خارک و برآمدگیهای جزری رأس فشت المواء به عنوان بخشی از خط مبدأ ایران تأکید شده است و به اینکه این مسئله به هیچ روی قابل مصالحه نیست. به قانون دریایی ایران و به خصوص، به خط مبدأ کشورمان در سالهای اخیر اعتراض شده است؛ ولی، پیش از آن، تمام امورات دریایی و سیاسی منطبق بر قاعده‌ای بوده که خط مبدأ سال ۱۳۵۲ کشورمان را معیار می‌شناخته است. این موضوع از دیدگاه حقوق بین‌الملل به عنوان یک رویه عرفی مطرح است و بیشتر کشورهای جهان آن را می‌پذیرند.

۲. **حوزه انرژی آرش.** این میدان انرژی که در ایران به آرش معروف است و کویتهای آن به نام دوره

ارتفاعات جزری رأس فشت المواء در قسمت ایران و اثر صددرصد جزایر فیلکه و ارتفاعات جزری رأس الیاحی در قسمت کویت ملاک ترسیم خط مرزی فلات قاره قرار گیرد؛ مشروط بر اینکه اثر صددرصد جزیره خارک همه جا؛ از جمله در تمام منطقه بی طرف نیز اعمال گردد (روابط بین‌الملل وزارت نفت، دی‌ماه ۱۳۷۶). این موافقتنامه به امضاء نرسید و مذاکرات دوجانبه بدون نتیجه رها شد.

به نظر می‌رسد که مسئله خط مبدأ در دور جدید گفتگوها هم تأثیرگذار بوده است. در فروردین ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی قانون مناطق دریایی ایران را در چهار فصل و ۲۳ ماده به تصویب رساند. خط مبدأ مندرج در این قانون همان خط مبدأ مصوب در تصویب نامه هیئت وزیران راجع به اصلاح قانون تعیین حدود آبهای ساحلی و منطقه نظارت ایران است که در تاریخ سی‌ام تیر ماه ۱۳۵۲، بنا به پیشنهاد شماره ۹۶۵۲ مورخ ششم تیر ماه ۱۳۵۲ وزارت امور خارجه به تصویب هیئت دولت وقت رسید. این موضوع در سال ۱۳۵۶ در مجموعه‌های منتشرشده دبیرخانه سازمان ملل متحد انتشار بین‌المللی یافت. از آن زمان تاکنون هیچ اعتراضی به آن نشده است. بنابراین، مفاد آن را جامعه بین‌المللی پذیرفته است (نقشه شماره ۲).

نقشه شماره ۲. خط مبدأ ایران، مصوب هیئت دولت

در سال ۱۳۵۲

مالکیت کرده است و این حوزه را متعلق به کویت اعلام کردند. این مطلب در دو روزنامه *الاحیات* و *الرأی العام* به نقل از وزیر خارجه کویت منتشر شده بود (خراسان، دی ۱۳۸۲). البته چند روز بعد وزیر خارجه کویت انتساب این مطلب به خود را رد کرد.

عجیب است که در حالی به این مطالب دامن زده می‌شود که مذاکرات دوجانبه ایران و کویت در این زمینه در فضایی تفاهم‌آمیز ادامه دارد.

این اقدامات تبلیغاتی کویت مقدمه‌ای بود برای مشروع جلوه دادن مذاکرات این کشور با عربستان سعودی و بهره‌برداری از میدان آرش. کویت برای توسعه بخش گازی میدان آرش با عربستان سعودی وارد مذاکره شده بود. این مطلب در مهر ۱۳۸۲/ اکتبر ۲۰۰۳ اعلام گردید. معاون وزیر انرژی کویت، عیسی العون، گفته بود که کویت، با همکاری عربستان سعودی، توسعه حوزه گازی مورد ادعای ایران، موسوم به آرش، را در آینده نزدیک آغاز می‌کند. وی دلیل این اقدام را به نتیجه نرسیدن مذاکرات ایران و کویت اعلام کرده بود (خبرگزاری فارس، مهر ۱۳۸۲). در پی این اقدام غیرقانونی کویت، بیژن زنگنه وزیر نفت ایران اعلام کرد که ما به طور رسمی، از وزارت خارجه خواسته‌ایم موضوع عملکرد کویت و عربستان سعودی در میدان نفتی آرش را بررسی و از ادامه فعالیت آنها جلوگیری کند. فعالیت این دو کشور در میدان نفتی آرش بدون حضور ایران معنا ندارد و باید هر چه سریعتر متوقف شود.

البته انتظار این بود که کویت به درخواست ایران حسن‌نیت نشان دهد و رفتار دیپلماتیکی مانند آنچه ایران انجام داده بود پیش گیرد ولی نه تنها چنین رویه‌ای را اتخاذ نکرد بلکه پا را فراتر نهاد، ادعای مالکیت مطلق بر این میدان کرد. وزیر نفت کویت، احمد فهد الصباح در آبان ۱۳۸۲ ضمن اذعان به آگاهی از مخالفت ایران با تحرکات کویت در میدان

یاد می‌کنند، به نظر می‌رسد یک میدان نفتی گازی است. ذخایر گازی این میدان ۱۳ تریلیون فوت مکعب (۳۶۸ میلیارد متر مکعب) برآورد می‌شود (ایرنا، تیر ۱۳۷۹). علاوه بر آن، این میدان در حدود ۵ میلیارد بشکه ذخیره نفت را در دل خود جای داده است. میدان آرش در مذاکرات دوجانبه دهه‌های اخیر نقش داشته است.

با ادعای مالکیت ایران و کویت بر این حوزه بهره‌برداری از آن تاکنون به تعویق افتاده است. پس از اقدام شرکت نفت فلات قاره کشورمان جهت انجام عملیات اکتشافی در اوایل سال ۱۳۷۹ در حوزه آرش و در پی آن، اعتراض کویت به این اقدام، ایران عملیات یادشده را متوقف کرد تا دو کشور با گفتگو مسائل مربوط به مرز دریایی را حل و فصل نمایند. در تیر ۱۳۷۹ بیژن زنگنه وزیر نفت وقت ایران اعلام کرد که چاه نفت برون ساحلی آرش در مالکیت ایران است؛ ولی مقامات کویتی قائل به مشترک بودن این حوزه بین ایران و کویت می‌باشند (ایرنا، تیر ۱۳۷۹). در همان زمان، مقامات دو کشور اعلام کردند که هیچ‌گونه اختلافی بین ایران و کویت در این زمینه وجود ندارد و در جریان دیدار شیخ سعود ناصر الصباح، وزیر نفت کویت، از ایران در پنجم مرداد ۱۳۷۹، وزیران نفت ایران و کویت وجود هرگونه اختلاف در باب تعیین مرز دریایی دو کشور را رد کردند (ایرنا، مرداد ۱۳۷۹).

اما آنچه که اکنون جریان دارد اقدام یک جانبه و غیرقانونی دولت کویت برای بهره‌برداری از منابع گازی موجود در میدان آرش است. این امر اعتراض ایران را در پی داشته است؛ چرا که جدا از مسئله منافع ملی، اخلاق دیپلماسی نیز در اقدام یک‌جانبه کویت رعایت نگردیده است. آنها پس از مقدمه‌چینی در برخی روزنامه‌ها و مطبوعات عربی، به صورت غیرقانونی اعلام کردند که ایران از حوزه آرش سلب

قلمرو دریایی امری است مشروع و قانونی، ولی افراز مرز نباید سبب تعدی به حقوق و منافع کشورهای دیگر شود. دیوان بین‌المللی دادگستری بر چنین رویه‌ای در قضایای فلات قاره دریای شمال تأکید داشت. بنابر حقوق بین‌الملل عرفی تحدید حدود بایستی با توافق بر طبق اصول منصفانه باشد. این امر، با توجه به شرایط موجود، آنگونه باید باشد که بیشترین میزان ممکن از فلات قاره‌ای را، که ادامه طبیعی قلمرو زمینی یکی از طرفین در زیر آب دریاست، بدون تداخل در امتداد طبیعی قلمرو زمینی طرف دیگر، متعلق به آن دولت سازد (چرچیل و لو، ۱۳۷۷: ۲۰۷). اما توافق کویت و عربستان سعودی در خصوص افراز مرز دریایی در منطقه سابقاً بی‌طرف، آشکارا، قلمرو دریایی ایران را نقض کرده است.

نقشه شماره ۳. مرز دریایی کویت و عربستان سعودی با تأکید بر

موقعیت حوزه ایرانی آرش

ماده یک این قرارداد درمورد چهار نقطه‌ای است که خط مرزی را ترسیم می‌کنند. نقطه چهارم این مرز با مختصات ۲۸ ۵۶ ۰۶ عرض شمالی و ۴۹ ۲۶ ۴۲ طول شرقی از خط میانه خلیج فارس عبور کرده است. خط میانه خلیج فارس در سال ۱۹۶۵، پس از

آرش، اعلام کرد که به‌رغم مخالفت ایران، مذاکره بر سر میدان گازی الدور (آرش ایران) با علی النعیمی وزیر نفت عربستان انجام شد (ایران، آبان ۱۳۸۲). موضوع حوزه انرژی آرش بخشی جدانشدنی از منافع ملی کشورمان است. دستگاه سیاست خارجی و دیپلماسی باید از تمام ظرفیتهای خود برای تحصیل و حفظ این منفعت اقتصادی ملی استفاده کند. مطرح شدن مباحثی چون بین‌المللی کردن موضوع از سوی مقامات کویتی، در واقع، غیرعقلانی کردن مسئله تحدید حدود مرز دریایی ایران و کویت است.

۳. منطقه تقسیم شده (سابقاً بی‌طرف). منطقه بی‌طرف در سال ۱۹۲۲ برای حفاظت از کویت در برابر حملات نیروهای سعودی با حمایت انگلیس و به توسط نماینده این قدرت استثماری، بین عربستان سعودی و کویت به وجود آمد. به دنبال کشف نفت در این منطقه، دو کشور در ۷ ژوئن ۱۹۶۵ توافق کردند که منطقه بی‌طرف به دو بخش مساوی تقسیم شود. ایران در طول مذاکرات دهه ۱۳۴۰ همواره خواستار مذاکره توأمان در مورد فلات قاره کویت و منطقه بی‌طرف بود. تا دو کشور در آینده مسئله‌ای در این زمینه نداشته باشند؛ اما طرف کویتی از این امر طفره می‌رفت. موضوع منطقه بی‌طرف در آن زمان نمی‌توانست به عنوان یک مانع اساسی در مذاکرات دو جانبه مطرح باشد؛ اما در حال حاضر بخشی از مسائل موجود را تشکیل می‌دهد و تا حدی بر مذاکرات دو کشور سایه افکننده است.

در دوم جولای ۲۰۰۰/۱۱ تیر ۱۳۷۹ کویت و عربستان سعودی بر سر تحدید حدود دریای مجاور منطقه تقسیم شده به توافق رسیدند (نقشه شماره ۳). این توافقنامه یک مقدمه و ۱۰ ماده دارد. امضای این قرارداد و افراز مرز دریایی دو کشور ساحلی دارای

سه‌جانبه در شمال خلیج فارس است. این نقطه محل تلاقی مرز دریایی سه کشور ایران، عراق و کویت خواهد بود. رژیم ساقط شده صدام بارها نسبت به دور جدید مذاکرات ایران و کویت دریاب افزاز مرز دریایی معترض شد. حال با وضع پیش آمده و اشغال عراق توسط امریکا باید منتظر ماند تا با تشکیل دولت ملی در عراق بستر مناسب مذاکره در این زمینه فراهم شود.

نتیجه‌گیری

مسلم است که کوشش دولت کویت در آفریدن جنبه‌های ابهام‌آمیز در مسئله تحدید حدود مرز دریایی با ایران نه تنها به پیشرفت موضوع کمک نمی‌کند، بلکه باعث اظهارنظرهای غیرمنطقی و مداخله‌جویانه دیگران می‌شود. ضمن اینکه در تأمین منافع ملی کویت مؤثر نخواهد بود. ایران و کویت، به عنوان دو کشور حوزه خلیج فارس با علائق مشترک منطقه‌ای، باید برای رسیدن به غایت تشکیل نظام سیاسی منطقه‌ای کوششهای بسیار کنند. وجود زمینه‌های مشترک البته همگرایی را سبب می‌شود و با برنامه‌ریزی صحیح منافع ملی دو کشور، در بلندمدت، بهتر تحصیل می‌شود؛ چه، این دو کشور عضو اوپک بخش اعظم انرژی دنیا را در دست دارند. این امر اتخاذ استراتژیهای کارآمد برای تأثیر در بازارهای جهانی انرژی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند و اتخاذ استراتژیهای کارآمد مشترک نیز حل منازعات ژئوپولیتیکی را طلب می‌کند. چراکه روابط بین‌الملل در شرایط فعلی به شدت از منازعات ژئوپولیتیکی تأثیر می‌پذیرد.

اقدام یک‌جانبه دولت کویت در انعقاد قرارداد با عربستان سعودی برای فعالیت در حوزه ایرانی آرش بر ضد منافع ملی ایران است. این مسئله می‌تواند عواقب ناگواری در روابط دو کشور در پی داشته

مذاکرات ایران و بریتانیا (مسئول امور خارجی شیوخ حاشیه جنوبی خلیج فارس) برای جداسازی قلمرو دریایی ایران و امیرنشینهای حاشیه جنوبی خلیج فارس تعیین گردید.

از طرفی ماده یک این قرارداد انتهای مرز یادشده را مشخص ننموده و احتمال ادامه آن را به سمت آبهای ایران پیش‌بینی کرده است. این موضوع در متن ماده یک آمده است. بر اساس این ماده از نقطه چهار، خط تقسیم دریای مجاور منطقه تقسیم شده در جهت شرقی ادامه خواهد داشت.

ماده هفت این قرارداد نیز محل ایراد و اشکال است؛ چراکه طبق این ماده، عربستان سعودی و کویت در مذاکرات مربوط به تحدید حدود نقطه سه‌جانبه مشترک به عنوان طرف واحد تلقی شده‌اند. این موضوع به سبب اصول روابط بین‌الملل، خلاف عرف معمول است؛ چراکه هر واحد سیاسی منافع ملی و علائق سیاسی خاص خود را دارد و به هیچ‌وجه نمی‌توان دو کشور را در دنیا یافت که منافع ملی و علائق سیاسی یکسان داشته باشند. وجود مواردی از این دست سبب می‌شود که کشور قوی دیدگاه و نظریات خود را به کشور ضعیف تحمیل نماید و این امر با ضوابط و اصول روابط بین‌المللی مغایر است.

با این توافقنامه حاکمیت ایران در بخشی از قلمرو دریایی اش به چالش کشیده شد. از اینرو، وزارت خارجه ایران اعتراض خود را به دو کشور عربستان سعودی و کویت تسلیم کرد. در این اعتراضیه‌ها که توسط وزارت خارجه به سفارتخانه‌های این دو کشور در تهران تسلیم شده، به مواد یک و هفت این موافقتنامه اعتراض و وزارت خارجه اصلاح آنها را خواستار شد.

مرز دریایی ایران و کویت، علاوه بر موارد یادشده، یک جنبه مهم دیگر دارد و آن تعیین نقطه

احیاناً "تکرویه‌های ضد همگرایی" نمایندند.

منابع

ایران، روزنامه، ۵ آبان ماه ۱۳۸۲؛

ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی)، دوم تیرماه ۱۳۷۹؛

_____ سیزدهم تیر ماه ۱۳۷۹؛

_____ پنجم مرداد ماه ۱۳۷۹؛

بی بی سی، ۲۸ مهر ماه ۱۳۸۲؛

تاجبخش، غلامرضا (۱۳۴۱)، «فلات قاره ایران در خلیج فارس»، سمینار

خلیج فارس، سی ام مهرماه، باشگاه افسران؛

چرچیل، رابین و آلن لو (۱۳۷۷)، «حقوق بین الملل دریاها»، ترجمه بهمن

آقای، گنج دانش؛

خبرگزاری فارس، یکشنبه ۱۳ مهر ۱۳۸۲؛

خراسان، روزنامه، نهم دی ماه ۱۳۸۲؛

روابط بین الملل وزارت نفت، تحدید حدود فلات قاره ایران و کشورهای

حاشیه خلیج فارس و دریای خزر، ۲۳ دی ماه ۱۳۷۶؛

سلام، روزنامه، چهارم بهمن ماه ۱۳۷۴؛

عسکری، سهراب (۱۳۸۱)، «ژئوپولیتیک قلمروهای دریایی ایران در

خلیج فارس»، رساله دکترای دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران؛

ممتاز، جمشید (۱۳۶۹)، «تحدید حدود فلات قاره خلیج فارس»، سیاست

خارجی، شماره ۴؛

Agreement between Saudi Arabia and the state of Kuwait concerning the submerged zone adjacent to the divided zone, 2 July 2000, R.N:I-37359;

Note verbal, No: 642/2704 and 642/2702 Date: 2002/01/23; United Nations, General Assembly, A/50/1029 2q August 1996. ■

باشد. بین المللی کردن موضوع مرز دریایی کویت با ایران هم هیچ عایدی برای این کشور نخواهد داشت. تنها گزینه‌ای که می‌تواند منافع طرفین را تأمین نماید همانا گفتگو و تلاش برای حل موضوع از راههای مسالمت‌آمیز است.

نکته اساسی و مهم در این مقطع تاریخی این است که جهان و به ویژه، منطقه حساس خلیج فارس بیش از هر زمان دیگری به آرامش و صلح نیاز دارد. این مهم نیاز اصلی ساکنین منطقه خلیج فارس است و به هیچ روی انکارکردنی و فراموش شدنی نیست. در دنیای امروز شاهد شکل‌گیری نظامهای سیاسی- منطقه‌ای براساس عناصر بومی و همگرایی در رسیدن به آمال مشترک هستیم. این حرکتها نتیجه درک مشترک از توانمندیها و استعدادهاى مشترک بر پایه آگاهی جمعی است. آینده، به طور حتم، در گرو چنین همگراییهایی است و ساکنین این مناطق ضریب امنیتی بیشتری در برابر ناامنی‌ها نسبت به سایر مناطق دارند. از سویی، اتخاذ شیوه‌های همگرایی تحلیل انرژی منطقه‌ای را کاهش می‌دهد. وجود چنین بستریهایی چشم‌انداز تشکیل نظام سیاسی منطقه‌ای در منطقه خلیج فارس را امیدبخش و سهل می‌کند. منافع کشورهای منطقه ایجاب می‌کند با اتخاذ استراتژیهای همگرا و پرهیز از سیاستهای تنش‌زا نظام سیاسی منطقه‌ای مطلوب شکل بگیرد. رسیدن به چنین هدفی یک دستورالعمل مهم برای کشورهای منطقه، به ویژه، کویت، است تا مصالح و منافع ملی منطقه‌ای را فدای نگرشهای سلیقه‌ای و یا